

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



۶

# در مکتب قرآن

سلسله درس‌گفتارهای تفسیری

شهید  
آیت‌الله  
دکتر بهشتی

سرشناسه: بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۰۷ - ۱۳۶۰.

Mohammad Beheshti.

عنوان و نام پدیدآور: در مکتب قرآن (۶)/تفسیر قرآن از دیدگاه سیدمحمدحسینی بهشتی؛ تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی؛ ویراستار جواد ازهای.

مشخصات نشر: تهران: روزنه، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص.

فروست: سلسله درس‌گفتارهای تفسیری.

شابک: ۹-۴۲۶-۲۳۴-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۹۳ - ۲۹۵.

موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴

موضوع: Qur'an -- Shiite hermeneutics -- 20th century

موضوع: بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۰۷ - ۱۳۶۰ - پیام‌ها و سخنرانی‌ها

شناسه افزوده: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید دکتر بهشتی

رده‌بندی کنگره: BP۹۸

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۹۸۱۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



# در مکتب قرآن ۶

سلسله درس‌گفتارهای تفسیری

شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

تهیه و تنظیم: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

تلفن: ۲۲۲۶۳۵۰۰

ویراستار: جواد ازهای

بازبینی: مجید رضایی دوانی

طرح جلد: سید صدرالدین بهشتی

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

چاپ: ستاره سبز صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۵۳۷۳۰ - ۸۸۵۳۶۳۱ - ۸۶۰۳۴۳۵۹ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: [www.rowzanehnashr.com](http://www.rowzanehnashr.com)

rowzanehnashr

rowzanehnashr

ISBN: 978-622-234-426-9

شابک: ۹-۴۲۶-۲۳۴-۶۲۲-۹۷۸

\* تمام حقوق برای ناشر محفوظ است \*

# فهرست

کج راهه‌ای در پرستش غیر خدا.....	۴۰	سوره یونس.....	۹
قرآن و حوادث سهمگین.....	۴۰	تفاوت محسوس سوره‌های مکی و مدنی.....	۱۳
بعثت و برانگیخته شدن رسول الله.....	۴۱	لزوم سنخیت رهبر هر جامعه با افراد آن.....	۱۴
آغاز نبوت پیامبر اسلام.....	۴۳	نفی شفاعت بُت‌ها.....	۱۵
بعثت پیامبر، از حوادث بزرگ تاریخ بشر.....	۴۴	تقسیم جهان به آسمان‌ها و زمین بر اساس.....	۱۵
چرا در اسلام بر مسئله توحید و معاد اهمیت داده.....	۴۷	مفهوم آفرینش جهان در شش روز.....	۱۷
قرآن و قانون علیت.....	۴۸	قرآن کتاب هدایت انسان، نه بیانگر.....	۱۸
مظاهر شرک در زندگی مردمان متدین.....	۴۹	قرآن در صدد راهنمایی کلی بشر.....	۲۰
معنای صحیح شفاعت.....	۵۰	پی در پی آمدن شب و روز از نشانه‌های پروردگار.....	۲۰
جدا کردن حساب دین از زندگی به چه معنا.....	۵۲	علی (ع) نسخه دوم محمد (ص).....	۲۱
اسلام، آئینی برای متن زندگی.....	۵۳	آفرینش انسان برای تربیت موجودی خویشتن دار.....	۲۶
زندگی یعنی تلاش همراه برخورد با مشکلات.....	۵۴	حکومت دیکتاتوری، مانع رشد بشر.....	۲۷
دو جنبه از نهضت رنسانس.....	۵۵	دعا و نذر و انتظار از پروردگار.....	۲۸
یقین و علم قطعی، تنها راه اعتقاد و عمل دینی.....	۶۱	قصه استخاره.....	۲۹
آنجا که علم و فلسفه حرفی ندارند.....	۶۱	عبادت خدا به خاطر طمع یا ترس.....	۳۰
راهکار کسب یقین و علم قطعی.....	۶۲	عدم تأثیر پذیری پیامبر از جو حاکم.....	۳۰
تردید در مشورت و قضاوت به خاطر قطعی نبودن.....	۶۴	چرا بشر از همان ابتدا با بُت پرستی شروع کرد.....	۳۱
تکیه بر علم قطعی صد درصد از علل.....	۶۵	انتظار پیاپی معجزه از پیامبر.....	۳۳
شناسائی عدالت در چه حدی؟.....	۶۶	محاسبه همه جانبه، راه صحیح زندگی.....	۳۵
عواقب فردی و اجتماعی سوء ظن.....	۶۷	اثرگذاری عوامل فساد در انسان.....	۳۶
چکیده بحث.....	۶۷	طراحی برنامه همه جانبه برای زندگی.....	۳۷
آیا امکان اداره جامعه بشری به صورت ایده آل.....	۷۲	عدم آینده نگری در زندگی.....	۳۸
استعداد، شرط اصلی تأثیر فعالیت‌های تربیتی.....	۷۳	تصویری از خدای ناسازگار یا خدای حقیقی.....	۳۹

- عدل الهی و مفهوم دقیق آن از منظر مذهب ... ۷۵.....
- حق توده‌ها در برابر قلدرها ..... ۷۶.....
- چرا واژه‌های حق، عدل و ظلم بی معنی است؟ ..... ۷۷.....
- معنای عادل بودن خدا ..... ۷۷.....
- سوره هود** ..... ۸۱.....
- وظیفه مسلمانان در زمان حکومت‌های جور ..... ۸۴.....
- کمک به استمرار قدرت یک ستمگر ..... ۸۶.....
- مددکار ستمگر او را برخوردش مسلط می‌کند ..... ۸۷.....
- اثر فردی و اجتماعی نیکوکاری در زدودن ... ۸۹.....
- نماز و آثار آن بر فرد ..... ۹۱.....
- پرسش و پاسخ ..... ۹۲.....
- سوره یوسف** ..... ۹۳.....
- داستان حضرت یوسف (ع) ..... ۹۸.....
- غریزه جنسی از نظر اسلام: هدایت و کنترل ... ۹۹.....
- ازدواج موقت در اسلام ..... ۹۹.....
- بی بندوباری در آمیزش جنسی ..... ۱۰۱.....
- ادیان، مخالفت با سرکوب غرایز ..... ۱۰۱.....
- کنترل تمایلات در پرتو ایمان ..... ۱۰۳.....
- یوسف، نمونه برجسته یک انسان تربیت شده ..... ۱۰۴.....
- تسلط بر غریزه جنسی در انسان‌های باتقوا ..... ۱۰۵.....
- شهوت افسارگریخته زنی سست اراده، عامل ... ۱۰۶.....
- بازگویی بخش‌هایی از داستان حضرت یوسف ..... ۱۱۰.....
- حضرت یوسف و قحطی مصر ..... ۱۱۱.....
- مقایسه داستان یوسف در قرآن و تورات ..... ۱۱۲.....
- دلیل سفارش حضرت یعقوب که از یک ... ۱۲۱.....
- تفسیر از ورود فرزندان یعقوب از چند دروازه ..... ۱۲۳.....
- بررسی مسئله چشم زخم ..... ۱۲۴.....
- نقل سخن مرحوم طبرسی در تفسیر آیه مورد ... ۱۲۵.....
- بررسی آیه دیگر در مورد چشم زخم ..... ۱۲۸.....
- حکم ترتیب اثر به چشم زخم ..... ۱۲۹.....
- راه پیشگیری از چشم زخم از دیدگاه اسلام ..... ۱۳۱.....
- سوره فلق و چشم و نظر ..... ۱۳۲.....
- به رخ دیگران کشیدن امکانات ..... ۱۳۳.....
- گواهی و شهادت باید از روی علم باشد ..... ۱۳۷.....
- شهادت یعنی در جریانی حضور داشتن ..... ۱۳۸.....
- آن استنباط قطعی که خلاف واقع است ..... ۱۳۹.....
- نگرانی‌هایی که خیال را واقعیت می‌کند ..... ۱۳۹.....
- یعقوب: صبوری شایسته در سخت‌ترین شرایط ..... ۱۴۱.....
- ایمان به مبدأ در مسائل زندگی و سعادت‌مندی ..... ۱۴۲.....
- مأیوس نشدن مسلمان از رحمت الهی ..... ۱۴۳.....
- مقایسه بخشی از آیات مورد بحث با تورات ..... ۳۴۱.....
- پرورای از گناه و پاداش شکیبایی ..... ۱۴۹.....
- مقاوت در برابر گناه ..... ۱۵۰.....
- مفهوم صحیح شفاعت در قرآن ..... ۱۵۱.....
- توجیه سجده برادران یوسف در برابر او ..... ۱۵۳.....
- بوسیدن حجر الاسود ..... ۱۵۴.....
- تعبیر خواب حضرت یوسف (ع) ..... ۱۵۵.....
- معجزه در قرآن و معنای آن ..... ۱۵۵.....
- تجارب شخصی، غیر قابل تبیین با علم مادی ..... ۱۵۶.....
- مشترکات قرآن و تورات (عهد عتیق) ..... ۱۵۷.....
- سوره رعد** ..... ۱۶۱.....
- خدا، دانای نهان (غیب) و آشکار (شهادت) ..... ۱۶۵.....
- تقسیم غیب و شهادت مربوط به انسانهاست ..... ۱۶۷.....
- علم به ماندگاری و عدم ماندگاری چنین ..... ۱۶۸.....
- در دستگاه خداوند هر چیز قانون‌مند است ... ۱۶۹.....
- فعالیت و کوشش، شرط اجابت دعا ..... ۱۷۰.....
- دعا کردن‌ها و نفرین‌هایی که بر پایه اسلام ..... ۱۷۱.....
- دعا در اسلام ..... ۱۷۱.....
- رعد و برق و بارش باران، عوامل یادکرد خدا ..... ۱۷۳.....
- غرور عامل بازدارندگی از توجه به خدا ..... ۱۷۵.....
- سوره کهف** ..... ۱۷۷.....
- مراد از موسی در داستان ..... ۱۸۲.....
- بررسی در مورد نام جوانک داستان ..... ۱۸۲.....
- مقصود از دودریا در داستان ..... ۱۸۳.....

دیدگاه آگوست کنت .....	۲۳۲	بررسی مقصود از افتادن ماهی به آب دریا .....	۱۸۴
واماندگی انسان و خضوع او در رستاخیز .....	۲۳۳	ماجرای موسی و هدف از نقل آن در قرآن .....	۱۸۶
خدا به عنوان همه‌کارهٔ روز رستاخیز .....	۲۳۵	برداشت غلط از داستان حضرت موسی (ع) .....	۱۸۸
تفاوت خدای اسلام و مسیحیت .....	۲۳۵	آیا عمل پیامبر (ص) بر اساس اسرار لَدُنِی بود؟ .....	۱۸۹
سست ارادگی، بزرگ‌ترین کمبود انسان .....	۲۳۸	علی (ع) هم در آن شرایط بحرانی چنین نکرد .....	۱۸۹
داستان هیبوط حضرت آدم .....	۲۳۹	آنچه در میدان سیاست بازان و مرید بازان ... ..	۱۹۰
پشت‌بند ارادهٔ انسان: قانون، حکومت، اخلاق .....	۲۴۰	ما مکلف در عمل به ظاهر هستیم .....	۱۹۱
در جامعهٔ بی‌بندوبار هرکاری مباح است .....	۲۴۱	پیامبران مأمور به تنظیم فعالیت بشر .....	۱۹۲
بی‌بندوباری و هرج و مرج روحی .....	۲۴۲	معاد جسمانی .....	۱۹۳
خودکشی و مسایل جنسی .....	۲۴۳	سورهٔ طه .....	۱۹۷
مادی‌گری به معنای هرکس به فکر هوس‌های .....	۲۴۳	مفهوم صحیح خداوند بر عرش قرار گرفت .....	۲۰۱
جامعه‌های ایمان، تعهد و التزام .....	۲۴۴	فرمانروایی خدا بر جهان .....	۲۰۳
در تربیت مصلحت‌فرزندان گرفته شود .....	۲۴۵	معجزه، اقتضای قدرت بی‌نهایت خداوند .....	۲۰۴
استمرار بی‌بندوباری در جامعه .....	۲۴۶	دکانی به عنوان اعجاز و معجزه و کرامت ... ..	۲۰۶
نمونه‌های قرآنی جهت هدایت جوامع .....	۲۴۹	نظام زندگی، نظام طبیعت است .....	۲۰۷
تفسیرهای قرآنی تا درصد معینی تابع محیط .....	۲۵۰	چکیدهٔ مباحث .....	۲۰۸
سخن قرآن متناسب با محیط وحی .....	۲۵۱	عصر تاریخ و ماقبل تاریخ .....	۲۱۲
تعیین نمازهای پنج‌گانه در قرآن .....	۲۵۲	تورات و زمان وقایع تاریخی .....	۲۱۴
لذت بردن از زیبایی‌ها و لذات و محدودهٔ آن .....	۲۵۲	دورهٔ تاریخ روشن .....	۲۱۴
طرز نگرستن اسلام به زندگی .....	۲۵۳	دوران نیمه‌روشن تاریخ .....	۲۱۵
لغزش به خاطر هوس‌ها و لذت‌ها در زندگی .....	۲۵۴	دوران خدایی آتون .....	۲۱۶
سختی‌های زندگی پیغمبر (ص) .....	۲۵۴	حضرت موسی (ع) در مصر .....	۲۱۷
زندگی پیامبر در کنار حضرت خدیجه (س) .....	۲۵۶	تفاوت معجزه و سحر .....	۲۱۸
نقش نماز به عنوان سرچشمهٔ نشاط .....	۲۵۷	نگاه قرآن به ساحران .....	۲۱۹
سهم خاص مالیات‌های اسلامی برای ... ..	۲۵۸	خدا، تنها قدرت مافوق طبیعی .....	۲۲۰
سورهٔ انبیاء .....	۲۶۱	معجزات رویدادهایی استثنائی .....	۲۲۱
محیط اجتماعی پیامبر (ص) در مکه .....	۲۶۴	حل مسایل زندگی با تلاش .....	۲۲۱
ابلاغ قانون زکات و انفاق .....	۲۶۵	ماجرای تاریخی در قرآن و تفاوت آن با تورات .....	۲۲۲
انسان‌سازی مکتب اسلام .....	۲۶۶	صحنه‌های رستاخیز و بُعد زمان .....	۲۲۹
نقش اسراییل برای خاضع کردن اعراب .....	۲۶۷	نکته آموزشی تعبیر دعوت‌کننده .....	۲۳۰
تلاش برای انحراف جوانان در عصر پیامبر .....	۲۶۸	عدم شتاب زندگی پیامبر نسبت به قرآن .....	۱۳۲
تلاش برای شبهه‌انگیزی در مسلمانان .....	۲۶۸	روز قیامت، روز افول فرمانروایی انسان .....	۲۳۱

۲۸۲.....	کنگرهٔ جهانی سالیانهٔ مسلمانان	۲۶۹.....	قرآن معجزه‌ای برتر در زمان پیامبر
۲۸۵.....	پرسش و پاسخ	۲۷۰.....	فرجام عیسی از منظر قرآن
۲۹۲.....	قربانی کردن	۲۷۳.....	سورهٔ حج
۲۹۵.....	نماینه	۲۷۶.....	ابعاد فردی حج
۳۰۱.....	کتابنامه	۲۸۰.....	ابعاد اجتماعی حج



# سورۃ یونس



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على جميع انبيائه ورُسله، وعلى سيدنا خاتم النبيين، وعلى الائمة الطاهرين من اهل بيته، والخيرة من آله وصحبه، والسلام علينا وعلى عباد الله الصالحين.

«الرَّتِلِكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ ﴿٢﴾ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾ أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ

«آن‌ها آیات درست و محکم و سراسر حکمت است. (۱) آیا برای مردم شگفت‌آور افتاده که به مردی از خود آن‌ها، وحی فرستیم، که مردم را از فرجام انحراف بترسان و به آن‌ها که ایمان آورده‌اند مژده ده که در پیش خداوند به راستی قدم می‌گذارند؟ کافران گفتند این مرد، جادوگری آشکار است. (۲) خدای شما همان خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفریده است، آن‌گاه بر تخت فرماندهی این عالم قرار گرفته است، کار فرمانروایی بر عالم را اداره می‌کند، جز با اجازه او کسی شفاعت و وساطت میان او و بندگانش نتواند کرد، آن خدا است، خداوندگار شما، او را بپرستید، آیا هوشیار نمی‌شوید؟ (۳) همه به سوی خدا بازمی‌گردید، این وعده راست خدا است. خدا نخست همه را آفرید، باز هم ما را می‌آفریند، تا مردم نیکوکار و باایمان را از روی عدالت و به عدالت پاداش دهد، و کافران نوشابه‌ای از آب جوشان جهنم و شکنجه‌ای دردناک، به کیفر کفری که ورزیدند، دارند. (۴) او خدایی است که خورشید را روشنی‌بخش و ماه را نورافشان آفرید، و ماه را منزل به منزل گرداند و برای ماه منازلی به اندازه‌های معین قرار داد تا شما شماره سال‌ها را بدانید و حساب در کارتان بیاید. خدا این‌ها را جز به راستی و درستی نیافریده است، خدا آیات را برای مردم دانا به تفصیل باز می‌گوید. (۵) درآمد و شد شب و روز و در آنچه خدا در آسمان‌ها و زمین آفریده، آیاتی برای مردم پرهیزکار است. (۶) آن‌ها که امیدی به دیدار ما ندارند و به همین زندگی دنیا دل خوش کرده‌اند و بدان دل بسته‌اند، و آن‌ها که از آیات ما بی‌خبر هستند. (۷) جایگاه آن‌ها آتش است، به کیفر آنچه خود به دست آورده بودند. (۸) آن‌ها که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند، خدا آن‌ها را به دنباله ایمان‌شان، به سرمنزل مقصود هدایت می‌کند. در باغ‌های پر نعمت که بر زمینش نهرها روان است، سکونت خواهند داشت. (۹) سخن آن‌ها در بهشت تسبیح خدا است، حرف دیگری ندارند که بزنند و سلام و درود آن‌ها در بهشت، این است که با یکدیگر با سلام روبه‌رو می‌شوند، با هم جنگ و دعوایی ندارند (مثل اهل جهنم)؛ و آخرین سخن آن‌ها و گفتار آن‌ها این است: شکر و سپاس و ستایش از آن خدای جهانیان است. (۱۰)»

## تفاوت محسوس سوره‌های مکی و مدنی

در تفسیر آیات و سوره‌های قبل، این نکته را عرض کرده‌ام و بار دیگر تکرار می‌کنم: سوره‌ها و آیاتی که در مکه نازل شده، با سوره‌ها و آیاتی که در مدینه نازل شده است، به راحتی قابل تشخیص و شناسایی از یکدیگر هستند. نوع مطلبی که در سوره‌های نازل شده در مکه وجود دارد، با نوع مطلبی که در سوره‌های نازل شده در مدینه هست، باهم فرق دارند. سوره‌ها و آیاتی که در مکه آمده، تکیه بر ایجاد اصل تحول فکری دارد و تمام تکیه‌اش روی این مطلب است. به مسائل عملی و مسائل اجتماعی خیلی کم توجه دارد، چون هنوز موقع آن نشده بود. این سوره‌ها بیشتر جنبه مبارزه با افکار منحطی دارد که بر مغز مردم عربستان در آن موقع حکومت می‌کرد.

لذا اگر شما تمام آیات و سوره‌هایی که در مکه نازل شده را پهلوی هم قرار دهید، که قسمت مهم قرآن را شامل می‌شود، می‌بینید تمامی بحث‌ها مربوط به مبارزه با شرک، خرافات، ظلم و ستم، فحشا و منکر و مفاسد اخلاقی و اجتماعی است. آهنگ، همین آهنگ است. به درست‌اندیشی، درست فکر کردن، درست‌اندیشیدن درباره این جهان و درست نتیجه گرفتن، راه راست را پیدا کردن و در راه راست رفتن، دعوت می‌کند. تقریباً مفاد دو سوم آیات قرآن که اکثراً در مکه نازل شده است، همین مطالب است.

بازبان‌های مختلف و گاهی هم بازبان یکنواخت و مکرر به مناسبت‌های مختلف به این نوع دعوت‌ها می‌پردازد و تعجب اینجا است که تا این سوره‌ها نازل می‌شد، با اینکه مطالبش تقریباً یکنواخت بود، جذابیت فنی و ذوقی و روحی آن برای عوام، فوق‌العاده بود. به محض اینکه نوبت به نازل شدن آیات مربوط به احکام و مسائل اجتماعی و مسائل سازندگی جامعه اسلام در محیط مدینه رسید و جنبه‌های عملی بیشتری کشیده شد، دیگر اعراب آن همه جذابیت را احساس نمی‌کردند. تنها مردم هوشیار باایمانی که درک می‌کردند پیغمبر در حال ساختن یک جامعه نوبر مبنای تقوی و پاکی و یکتاپرستی و عدالت اجتماعی است، لذت می‌بردند.

توده مردم از آهنگ قرآن خیلی لذت نمی‌بردند، مثل آن لذتی که اول می‌بردند. این مطلب را در آیاتی که در جلسات اخیر در سوره توبه ترجمه کردیم، ملاحظه کردید. اگر شما سوره توبه، انفال و مائده را با سوره یونس که تازه شروع کردیم و یا با سوره انعام که تمام شد مقایسه کنید، این مطلب را خوب می‌توانید بفهمید. حالا علت چه بوده که در ۱۷ جزء آیات قرآنی که تکیه آن روی مسائل کلی است و به حسب قاعده باید مکرر بنماید، همه‌اش برای اعراب تازگی داشت، این همان مسئله اعجاز قرآن از نظر خصوص فصاحت و بلاغت و شیوایی است و درک کردن این هم کاری ندارد.

اگر آدم الآن هم زبان عربی را یاد بگیرد و بعد قرآن را مطالعه کند، می‌بیند قرآن هیچ وقت تازگی

خود را از دست نمی‌دهد. یعنی برای مطالعه‌کننده آشنا، قرآن همیشه تازه است. آن آیاتی که مربوط به احکام است، خیلی تکرار بر نمی‌دارد. البته آنجا دیگر تکرار نیست و تکرار به ندرت اتفاق می‌افتد، چون آنجا تکرار معنی ندارد. در آیاتی که مربوط به کلی‌سازی، اساس درست کردن و پایه‌گذاری است، تکرار زیاد است. ولی با این همه تکرار زیاد، همه‌اش هم زنده است، همه‌اش نو است و نبودنش را از دست نمی‌دهد. این، همان مسئله اعجاز در بلاغت قرآن است: درحالی‌که تکرار کلیات گاهی خسته‌کننده است، قرآن با چه لحنی این کلیات را تکرار کرده که جذابیت و شیوایی و گیرندگی آن هنوز همین‌طور محفوظ مانده است! این مسئله را آدم باید با فهم خود قرآن و آشنایی به لغت عربی درک کند. در عین حال که با ترجمه‌ها هم می‌شود تا حدی مطلب را منعکس کند.

به هر حال، سوره یونس هم از همان سوره‌های نازل شده در مکه است. اول تا آخرین سوره تقریباً ۱۰۹ آیه است و تمام ۱۰۹ آیه روی مبارزه با «اوهام» و «خرافات» و «شرك» تکیه دارد و به درست فکر کردن و توحید و پاکی دعوت می‌کند. حالا آیات امشب را با لحن خودش می‌خوانیم.

### لزوم سنخیت رهبر هر جامعه با افراد آن

در آیه اول روی این مطلب تکیه شده است: این چه حرفی است که اعراب مکه و مدینه و اطراف می‌گویند؟ البته مدینه خیلی کم با دعوت پیغمبر در تماس بود، ولی بودند کسانی که از همان اول تک و توک می‌آمدند. این چه حرفی است که این‌ها می‌گویند که چرا خدا وحی خود را برای آدمی از خود ما فرستاده است؟ این‌ها توقع دارند که خدا وحی و رسالتش را برای قوم عرب و در سرزمین مکه و مدینه به وسیله چه کسی بفرستد؟

آیا به وسیله فرشته بفرستد؟ فرشته که نمی‌تواند برای توده مردم وحی بیاورد. رهبر مردم می‌تواند از خود مردم باشد. یا می‌خواهند به وسیله آدمی از آن طرف دنیا برایشان وحی بفرستد؟ آدم آن طرف دنیا چه می‌فهمد که مردم این طرف دنیا چگونه هستند؟ این درست مثل ملت‌های وامانده است که رهبری‌ها و حتی رهبران را می‌خواهند از ماوراء بحار برایشان وارد کنند. این محال است. رهبر و رهبری باید از داخل هر ملتی به وجود بیاید. البته با استفاده از مطالعات و تجارب مربوط به ملت‌های دیگر، اما هرگز نمی‌شود با الگویی که ملت‌های دیگر برای زندگی‌شان بریده‌اند برای ملتی در شرایط کاملاً متفاوت با آن ملت‌ها، لباس مناسبی دوخت. هرگز نمی‌شود.

مطمئناً باید رهبری و رهبر برای هر ملتی، از داخل خود آن ملت باشد. وقتی هم می‌گوییم از داخل، نمی‌خواهیم بگوییم شناسنامه آن ملت را باید داشته باشد، چون خیلی‌ها هستند که شناسنامه یک ملت را دارند، ولی واقعاً از آن ملت نیستند، چون نه مثل آن‌ها فکر می‌کنند، نه

مثل آن‌ها زندگی می‌کنند و نه اصلاً ملت خودشان را درک می‌کنند. واقعاً از آن ملت باشد؛ یعنی واقعاً از آن محیط برخاسته باشد و آن محیط را شناخته باشد. بنابراین، اگر قرار است برای مردم مکه رهبری از جانب خدا فرستاده شود، باید از خود آن‌ها باشد. مثل اینکه برای بنی‌اسرائیل هم موسی (ع) فرستاده شد، برای قوم عاد و ثمود و برای همه اقوام از خودشان فرستاده شده است: «وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ خدا برای هر گروهی راهنما و رهبری از خود آن‌ها فرستاده است. پس این جای تعجب نیست. بله، خدا از میان شما همین محمدی را که تا دیروز از شما امتیاز فوق‌العاده‌ای نداشت به عنوان پیغمبری برانگیخت تا به شما اعلام کند: ای مردم! سعادت، نتیجه ایمان و عمل خوب است. بی‌ایمانی و بی‌مبنا بودن و اصولی نبودن در زندگی و انحراف و بدکارگی، بدبختی می‌آورد.

### نفی شفاعت بُت‌ها

در آیه دوم این مطلب مطرح شده است که پیغمبر می‌گوید: ای اعراب! توجه کنید، این‌ها چه چیزی است که با دست خودتان از چوب و فلز و سنگ و احیاناً از طلا تراشیده‌اید و در خانه کعبه و بُت‌خانه طائف و در خانه‌های خودتان و به گردن خودتان آویخته‌اید و نام آن‌ها را بت گذاشته‌اید و آن‌ها را می‌پرستید؟ آخرین‌ها چه‌کاره هستند؟ خدای شما، همان خدای آفریدگار جهان است، غیر از او خدایی نیست. کسی هم جز با اجازه او میان او و شما وساطت و شفاعت نمی‌تواند بکند. نگویید این‌ها شفیع‌ها و میانجی‌های میان ما و خدا هستند! خدا اگر میانجی بخواهد، خودش معین می‌کند. از این میانجی‌ها نمی‌خواهد. این خدا است، فقط این خدا را بپرستید. این بُت‌ها را نپرستید!

### تقسیم جهان به آسمان‌ها و زمین بر اساس فهم عرفی

در این آیه دو نکته هست که امشب روی آن تکیه می‌کنیم: یکی اینکه «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ»؛ «خدای شما، خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفریده است». در تمام قرآن به هنگام صحبت از آسمان و زمین، آسمان‌ها به صورت جمع و زمین به صورت مفرد آمده است. در هیچ جای قرآن صحبت از زمین‌ها نیست. یک دانه زمین و آسمان‌ها. البته معنای عادی مطلب این است که برای ما انسان‌ها که در این کره اقامت و سکونت داریم، جهان به دو قسمت تقسیم می‌شود: یک قسمت، جهانی که ما در آن هستیم و مثل خانه ما است، یعنی زمین،

و یک قسمت جهانی که ما روی آن نیستیم و بالای سر ما است، ولو بالای سر ما به صورت یک کره، ولی بالای سر ما است. این همان سماوات و آسمان‌ها است که خیلی است.

چه علم ستاره‌شناسی امروزه ثابت کند که جز در این کره کوچک زمین، شرایط زندگی برای انسان مساعد و مهیا نیست، کره‌ای که بشود نام زمین روی آن گذاشت، یعنی جایی که انسان و موجود جاندار روی آن زندگی می‌کند، همین یک کره است، چه اثبات کند که در صدها هزار کره دیگر شرایط برای حیات بشر و زیستن انسان و موجود زنده مساعد است، مطلب فرقی نمی‌کند. مطلب این است که بالاخره آن کره‌ای که شرایطش برای زندگی بشر مساعد است، برای ما که اینجا نشسته‌ایم، یک چیز بالاسری است، سماوات، آن بالاهاست. آنکه دم دست ماست، فقط همین یک کره است. مطلب فرقی نمی‌کند.

اینکه خیلی از آقایان علما و مفسرین و نویسندگان نوپرداز درباره کلمه سماوات و ارض مطالبی گفته‌اند برای اینکه این را درست کنند، درست کردن نمی‌خواهد، خودش درست است. از آن موقعی که عرب‌های بی اطلاع از اوضاع افلاک و جهان این آیات را گوش می‌کردند تا حالا که من و شما آن را معنی می‌کنیم، مطلب فرقی نکرده است. برای بشر یک کره دم دست است و آن کره زمین است. همین یک کره است. چیزی هم بالای سراسر است، دوردست است؛ و آن هم کرات دیگر است. پس مطلب فرقی نکرده است. «سما» یعنی بالا و «سماوات» یعنی بالایی‌ها.

جهان از دید آدمیزاد ساکن در روی زمین به دو قسمت تقسیم می‌شود: جایی که خانه من است؛ و جایی که دور و بالا است، دم دست من نیست. آن‌ها سماوات است. عیناً مثل آدمی که در یک شهر و مملکت زندگی می‌کند. اگر ارتباطات جهان برق آسا شود، بالاخره جنابعالی وقتی بخواهی زندگی را تقسیم کنی، می‌گویی زندگی من به دو قسمت تقسیم می‌شود: یکی زندگی در خانه و دیگری زندگی در بیرون از خانه. همین‌طور که شما بر مبنای واقع‌بینی، زندگی‌تان را در روی کره زمین به یک جای کوچک یعنی خانه تقسیم می‌کنید، برای اینکه شرایط آنجا شرایط خاصی است؛ و یکی هم بیرون از خانه است چون آنجا یک جور دیگر است: باید با لباس رسمی بیرون بیایی، خیلی مرتب، رعایت آداب و مقررات کنی، ولی در خانه آزادی دارید، پس در مورد زمین و آسمان هم این‌گونه است و فهمیدن این مسئله خیلی ساده است.

برخی از دانشمندان که درباره مناسبات علم هیئت با قرآن کتاب نوشته‌اند، خواسته‌اند بگویند چون ممکن است در کرات دیگر هم شرایط برای زندگی انسان فراهم باشد، بنابراین ارض هم متعدد می‌شود و «ارضین» می‌شود. این حرف‌ها اصلاً درست نیست. از این حرف‌ها در قرآن نداریم. حرف حساب این است که از نظر ما که بشر ساکن در اینجا هستیم، جهان با تمام وسعتش به دو قسمت تقسیم می‌شود: یکی کره زمین که جای ما و خانه ماست؛ و یکی هم جهان‌ها و کرات دوردست



است. هر چه می خواهد باشد، فرقی نمی کند. میلیاردها هم که باشد، بالاخره جزو سماوات است. بنابراین، اگر در آن میلیاردها کره، صدها هزار کره هم برای زندگی موجود زنده مساعد باشد، باز برای ما «ارض» نیست. باز هم «سماوات» است، باز هم داخل در دسته سماوات است. پس این تقسیم بندی بر اساس یک فهم عرفی و عادی است که در عین حال واقعیت هم دارد.

### مفهوم آفرینش جهان در شش روز

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»؛ «خدای شما خدایی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید».

نکته بعد در مورد این شش روز است. همین طور که می دانید در تورات هم آمده است، منتها در تورات با تفصیل هایی آمده که روز اول خدا چه چیز را آفرید، روز دوم چه چیز را و روز سوم چه چیز را و روز چهارم چه چیز و روز پنجم چه چیز و روز ششم هم انسان را آفرید و بعد هم آخر کار فرمود ما ساختیم و پرداختیم، ای انسان! توبیا این جهان را اداره کن. خدا حافظ، دیگر کاری از دست ما ساخته نیست. خدا با خودش هم خدا حافظی کرد!

ولی در قرآن کریم مسئله به این صورت نیامده است. در قرآن کریم در چند جا که این مطلب آمده، اصلاً غرض، مسئله شرح آفرینش نیست. یعنی سبب تکوین تورات در قرآن نیست. قرآن نخواسته است تاریخ آفرینش را بگوید. قرآن تاریخ اقوام گذشته را می گوید، منتها قرآن این طور می خواهد بگوید که اجمال مطلب که در تورات آمده و اشاره به شش روز دارد، صحیح است. این شش روز وجود دارد، اما آیا این شش روز تا روز جمعه بود و شنبه خدا بی کار شده است، یا اینکه این روزها چه روزهایی است، در خود قرآن صحبت از روزی می شود که معادل ۵۰ هزار سال ما است.

بنابراین، این «روز» مسلماً از این روزهای ۲۴ ساعتی ما نیست. علاوه بر اینکه خود قرآن در همین سوره می گوید خداوند ماه را آفرید تا شما حساب سال و ماه را داشته باشید. پس حساب سال و ماه بعد از آفرینش خورشید و ماه درست شده است و قبل از آن ها، روزی از این روزهایی که ما خیال می کنیم، در کار نبوده است. پس کسانی که مختصری در قرآن مطالعه کنند می فهمند که منظور از این شش روز یعنی این ها را در شش دوره آفرید. یعنی خدای شما خدایی است که جهان را در «شش مرحله» آفرید. عین این مطلب درباره همان چیزی است که در تورات هم آمده هست.

اما اشکال تورات این است که یک چیزی به دنباله اش چسبانده است. تورات گفته است روز شنبه کار تمام شد! مثل اینکه خدا قبل از اینکه جهان را خلق کند، یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و شنبه ای وجود داشته است و خدا در شش روز زمین و آسمان را آفریده است و آن وقت که شنبه شده، دست از کار کشیده است. بنابراین، اگر این حاشیه هایی

را که در تورات به مطلب چسبیده دور بریزیم، اصل مطلب اشکالی ندارد. اتفاقاً خود تورات هم مطلب را بر پایه شش دوره درست می‌کند. می‌گوید: در روز اول؛ یعنی در دوره اول، چه و در دوره دوم چه اتفاقی افتاد. در هر دوره، قسمتی از موجودات این جهان آفریده شد.

همین طور که دوستان می‌دانند، این مطلبی است که تحقیقات دیرینه‌شناسی امروز هم اجمالاً بحث از دوره‌هایی در تاریخ آفرینش همین زمین می‌کند، چه برسد به تاریخ آفرینش جهان. البته آن تقسیمات، این تقسیمات نیست. اما قدر مسلم این است که موجوداتی در مرحله خاصی از زمان به وجود آمدند. حالا قرآن و تورات و وحی الهی، خلقت را بر پایه شش مرحله اساسی معرفی کرده است و همین طور که عرض کردم، نکته مهم این است که قرآن اصلاً نمی‌خواهد «تاریخ خلقت» را بگوید.

لحن این آیه و دو سه آیه دیگر که در قرآن آمده و صحبت از آفرینش جهان در شش روز کرده است، با لحن تورات فعلی که تورات اصلی حضرت موسی (ع) نیست، فرق دارد. این تورات مغلوط است. آن لحن این است: «ای مردم! خدای شما همان خدایی است که جهان را در شش مرحله آفریده، او را بپرستید. کاری به کار این بُت‌ها نداشته باشید». هدف آیه، دعوت به توحید است و در صدد بیان تاریخ آفرینش نیست. آیات دیگر هم این‌گونه است. یعنی نتیجه‌گیری آیات این است که ای مردم! خدای آفریدگار جهان را بپرستید، نه چیزهایی که به دست خودتان ساخته‌اید.

بنابراین، ملاحظه می‌کنید که فرق است میان مسئله آفرینش جهان در شش روز که در قرآن آمده با آنچه در تورات فعلی و عهد عتیق هست. ملاحظه می‌کنید که آیه اول، دعوت به توحید است. آیه دوم که «الْبَيْتِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا» است، دعوت به «معاد» است. یعنی هدف از این آیات دعوت کردن به ایمان داشتن به مبدأ و معاد است. مطلب دیگری که در این آیات هست این است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا»؛ «اوست که خورشید را با روشنی بسیار درخشانده و ماه را با روشنایی مهتابی (روشنایی که درخشندگی خورشید را ندارد، یک نوع روشنایی همراه با کمی تاریکی است)، نور مهتابی، آفرید»؛ و بعد برای ماه اشکال مختلف درست کرد تا شما شماره سال و حساب را بفهمید.

### قرآن کتاب هدایت انسان، نه بیانگر ریزه‌کاری‌های علمی

دوستان لابد به این نکته توجه دارید که طبیعی‌ترین سال‌ها که شناسایی آن با کمک چشم و بدون محاسبات پیچ در پیچ ریاضی عملی باشد، سال قمری است. به اصطلاح برای بشر ابتدایی محاسبه ماه و سال بر مبنای سال قمری میسر است، و الا با کمک خورشید، بدون قرارداد،

نمی شود سال درست کرد، البته قراردادی که متکی بر پایه های فلک شناسی است، اما نه پایه هایی که شناسایی آن برای مردم عادی میسر است.

مردم عادی می توانند نگاه کنند که ماه امشب یک ذره باریک است، پس شب اول است. فردا پهن تر شده، خوب یک شب روی آن آمده است. بعد یک ذره پهن تر شده، شب سوم است. بعد هلال نصف شده، شب هفتم است. بعد قرص ماه تمام شد، شب چهاردهم است. دومرتبه کم شده، شب پانزدهم، شب شانزدهم تا شبی که دیگر ماه نیست. فردا شب هم ماه نیست، گاهی پس فردا شب هم نیست، این سه شب هم که آخر ماه است. پس همین طور یک ماه کامل می شود که دوازده تایی آن هم یک سال است. بنابراین، شناسایی ماه و به دنبالش سال، به صورت طبیعی با کمک ماه میسر است. اگر آن طور که بدین های دنیا می گویند روزی جنگ هسته ای در دنیا شروع شود و تمام محصول تمدن بشر فرو ریزد و بشر گذشته، که به قول آن داستان نویس های امروز در زوایای غارها زندگی می کردند دومرتبه بیرون آمدند و از همان اول حساب سال و ماه درست کنند، چه کار باید بکنند؟ اگر این طور شود، مطمئناً باید دوباره با سال قمری شروع کنند. برای اینکه طبیعی است و راحت می شود فهمید.

باز هم تکرار می کنم که «قرآن در صدد تکیه کردن روی ریزه کاری های علمی نیست». قرآن در صدد نتیجه گیری های عالی از همین ادراکات عادی است؛ و لطف قرآن هم به همین است. یک مثال: اگر یک گوینده سیاسی یا یک گوینده اخلاقی که فرار است برای همه مردم دنیا از رادیو و تلویزیون صحبت کند در یک برنامه عمومی که دعوت کرده همه به آن برنامه گوش کنند، به عنوان سخنران، ریزه کاری های علمی را مطرح کنند، شما می گویند این گوینده خوش ذوق است یا بد ذوق؟

اگر او ریزه کاری های علمی را مطرح کند و همه خسته شوند و چرتشان ببرد، در این صورت اگر فردا شب بگویند دوباره همان سخنران چنین برنامه ای دارد، همه پیچ تلویزیون را می بندند و می گویند ول کن، حوصله داری؟ درندهای عمومی، جای مطرح کردن ریزه کاری های دقیق علمی اصلاً نیست. جای این مطلب نیست. اگر در قرآن می آمد، نقص بود؛ و باز عرض می کنم که من ذوق خیلی از این دانشمندان را ندارم که می خواهند آخرین تحقیقات علمی روز را از قرآن استنتاج کنند، بعد هم این ها را مسخره کنند و بگویند اگر قرآن این حرف ها را گفته بود، پس چرا مسلمان ها اول شروع نکردند و صبر کردند دیگران بگویند؟ قرآن برای این کار نیست. قرآن برای ساختن انسان و جامعه آمده است. سازنده عمومی هم هست و در لحن و گفتار خودش روی ساده ترین و عمومی ترین ادراکات بشر تکیه می کند و از آن نتیجه گیری های عالی عمومی می گیرد. لطف قرآن به همین است.